

من بار دیگر باز خواهم گشت!



شیردل

خبرگزاری آلمان- کاراکاس، دوشنبه ۴ دسامبر ۲۰۰۶ برابر با ۱۳ آذر ۱۳۸۵ ،

از هوگو چاوزبا در یافت تعداد بسیار بیشتر آرا (۶۱,۳۵ %) در مقابل رقیب انتخاباتی او منتقد امریکایی " حزب سوسیال دموکرات (۳۸,۳۹ %) شکست سختی داد

بعد از اعلام اولین شمارش آرا، مشخص شد که ۷۸,۳۱ % از شهروندان واجد شرایط به پای صندوق رأی رفتند . بعد از بسته شدن دفاتر رأی ستانی بخش زیادی از هواداران رئیس جمهور به مقابل کاخ ریاست جمهوری رفته و تا در مراسم جشن پیروزی انتخاباتی شرکت کنند.

هوگو چاوز وارد بالکن کاخ شد و مورد استقبال و تشویق ده ها هزار شهروند هوادار در کاراکاس شد. باران سختی در حال آمدن بود و علی رغم آن توده مردم برای تشکر به نزد او آمدند . در چشمان بسیاری از آنان اشک شادی پر بود و قادر به صحبت کردن نبودند. اگر از بالای کاخ به انبوه توده نگاه اداخته می شد ، اغلب مردم لباس سرخ برتن و کلاه سرخ بر سر داشتند. در این هنگام سرود ملی ونزولا خوانده و سپس چاوز در پشت میکروفون قرار گرفت و فریاد برآورد " زنده باد خلق ونزولا " ، " زنده باد انقلاب سوسیالیستی " و سخنرانی معروف خود را شروع نمود.

هوگو چاوز رئیس جمهور منتخب مردم چنین گفت. " جهش برق آسا برای ادامه انقلاب و ساختمان سوسیالیسم " و چاوز در میان صحبت های خود آمریکا را مورد خطاب قرار داد و گفت : " پیروزی که ما امروز بدست آورده ایم ، درس دیگری برای امپریالیسم آمریکا می باشد " و در ادامه گفت : " پیروزی ما اکنون راه گشوده است و تا بتوان جهان نوین و بهتری را ساخت "

در این هنگام صدای فریاد مردم به گوش می رسید: " زنده باد انقلاب " ، " زنده باد چاوز " ...

در تمام شهرهای بزرگ و کوچک و نزولاً طرفداران انقلاب به جشن پرداخته و تا پاسی از شب به برگزاری پایکوبی و رقص پرداختند و بنا بر گزارش خبرگزاری آلمان: یکی از پرشکوهترین مراسم انتخابات در جهان بود که اکثریت بزرگ مردم از خانه های خود بیرون و در آن شرکت کرده و از نتیجه آن خوشحال شدند.

سرافکنده " روزالس " نماینده حزب خائن سوسیال دموکرات بود و می بایست شکست خود را قبول نماید: " ما باید قبول کنیم که انتخابات را باخته ایم و اختلاف رأی بسیار می باشد ."

" روزالس " فرماندار ایالت " زولیا " که منطقه نفت خیز است و نماینده امپریالیسم آمریکا و محبوب سردمداران کاخ سفید است. او با ائتلاف بزرگی که احزاب مزدور و کلیسای مرتجع و همراه با حمایت سفارت آمریکا در کاراکاس ، مخرج کلان سیا و در اختیار داشتن تمام رسانه های جمعی و سمعی و روزنامه ها که وابسته به بخش خصوصی می باشند و در آن صد ها آگهی انتخاباتی برای " روزالس " پخش و درج گردیده بود ، او انتخاب نشد و تمام برنامه توطنه امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب و نزولاً و رهبرش ناکام ماند.

در انتخابات دیروز، یکشنبه ۱۳ آذرماه ، ۱۵,۹ میلیون شهروند واجد شرایط از کشور و نزولاً به پای صندوق رأی دعوت شدند و طبق خبر جدید که سایت ایرانی ما اکنون از طریق پست الکترونیکی در یافت کرده ۸۰ % از ۱۵,۹ میلیون شهروند به پای صندوق رأی رفتند.

حال باید دو اختلاف بزرگ را در انتخابات آمریکا و دیگری و نزولاً دید و مقایسه کرد. در آمریکا خستگی مردم از سیاست و نفرت به دو حزب جمهوریخواه و دموکرات رویه افزایش است و در انتخابات میان دوره ای تنها ۴۶% در انتخابات شرکت کردند. مردم اروپا و آمریکا از احزاب بورژوازی که وعده ده ، دزد ، حامی سرمایه داران انحصاری و نابود کننده دولت رفاه می باشند نفرت دارند و مردم آمریکا علاقه چندانی نداشته که پای صندوق رأی بروند.

مردم با پرداخت مالیات به دولت سرمایه داران ، برای پرداخت حقوق وزراء و نمایندگان مجلس ، انتظاری از دولت دارند ، که برای آنان محل کار ایجاد، تحصیلات ابتدایی و عالی فرزندان آنان رایگان کرده ، بیمه درمانی را برای سلامتی ایجاد و بیمه بازنشستگی برای روزهای کهولت و استراحت آنان در نظر می گیرد. خانه های ارزان قیمت سازمانی در تمام شهر ها و مناطق مسکونی ساخته ، تا بتوانند در آن خانه ها زندگی ، استراحت و نیروی کار خود را برای فروش به بازار کار تجدید کنند. ولی این نمایندگان و وزراء نمایندگان مردم نبوده و خواستهای مردم را زیر پا گذاشته و به آن عمل نمیکنند. آ بعد از مدتی نمایندگان مردم به خود فروخته هایی تبدیل شده و برای منافع سرمایه داران بزرگ که صاحبان شرکتهای بزرگ صنعتی ، تجاری ، بازرگانی و مالی هستند ، نقش دلالی به عهده می گیرند. این نمایندگان کوشش می کنند با تصویب قوانین ، کمک های مالی کلان به کارخانه داران کرده ، تا محلهای کار را خود کار نموده و کارگران مالیات ده که بخش بزرگ و مهم جامعه است از کار بیکار کنند و همچنین نمایندگان مجلس با تصویب طرح ادغام شرکتهای بزرگ در یکدیگر، تولید را از کشوری به منطقه دیگری در جهان منتقل کند . اینبار هم در اثر خیانت نماینده گان مجلس ، باز کارگران و زحمتکشان در عرصه تولید و خدمات بیکار می شوند . این نمایندگان و وزراء رشوه گیر در اروپا به راهزنان پارلمانتاریسم معروف گردیده اند . علاوه بر حقوق ۱۷- ۱۵ هزار یورو در ماه که آقای وکیل مجلس دریافت می کند ، از طرف شرکتهای بزرگ انحصاری پولهای کلانی که توسط چک های فرستاده شده ، از طرف موسساتی به نام (Publik – Relation) که به نام PR ها معروف می باشند، برای آنان نوشته و پرداخت میشود. سایت ایرانی ما ، یک بار این اسناد را در سایت خود منتشر نمود و در آرشیو سایت موجود و هر کسی می تواند به آن مراجعه کند. بدین خاطر مردم آمریکا ، اروپا و مردم دیگر کشورهای سرمایه داری به احزاب سیاسی که نماینده های آن ها خود را برای انتخابات آماده می کنند تا بعد از رأی گرفتن از مردم به مجلس روند ، اعتمادی ندارد.

بدین خاطر انتخابات در کشورهای سرمایه داری جنگ میان احزاب سیاسی سرمایه داری برای کسب پستهای پر درآمد است. و انتخابات نزاعی مصنوعی برای رنگین نشان دادن سفره دموکراسی است که میلیونها توده کار و زحمت بهای آنرا از طریق مالیات و همچنین استثمار می پردازد ، تا سرمایه دار دزد به دور سفره مردم توسط دولت پهن شده جمع گردند و تا آنجایی که می توانند میل به فرمایند و در پنهان به ریش مردم هم به خندند . پس انتخاب کردن در آمریکا و اروپا و دیگر کشورهای سرمایه داری انتخاب بد در مقابل بد و بد های دیگر است و در مفهوم تشریفات فریبکارانه است . انتخابات در و نزولاً به صورت دیگری انجام شد و انتخاب میان بد و خوب بود و حداکثر یک بار، یا دوبار تکرار خواهد شد و بار سومی موجود نیست. زیرا سرنوشت چاوز همان سرنوشت آینده در شیلی و یا سوکارنو در اندونزی و یا جمال عبدالناصر در مصر و یا پاتریس لومبا در کنگو ختم خواهد شد و از طریق کودتای نظامی، حرج و مرج سیاسی، آتش زدن و ترور شخصیتهای دولتی ، حکومت ملی و مترقی را سرنگون می کنند.

انتخابات در ونزولا جنگ میان انقلاب و ضد انقلاب ، جنگ میان طبقه کارگر با حقوق گرسنگی ، دهقانان فقیر ، زحمتکشان عریان ، روشنفکران انقلابی و مردم فقیر در شهرهای کوچک و بزرگ ، با طبقه الیگارشی ، "صاحبان" و اربابان کارخانه و مدیران ارشد بانکها که حقوق سالیانه آنان ۲۰۰ میلیون یورو می رسد می باشد . و باید اضافه نمود، برگزاری این انتخابات استثنایی بوده و یک بار و یا دوبار تکرار می شود.

" کودتای نظامی " (قیام سربازان ، افسران) و انتخابات ایزاری است برای رسیدن به قدرت ، ولی راهی نیست همیشگی و از آن شیوه بتوان همیشه قدرت سیاسی را برای طبقه کارگر بدست آورد. این گفته مهم و فراموش ناشدنی است.

هوگو چاوز تحصیل کرده و افسر نیروی هوایی در ونزولا بود و سربازان ، درجه داران و افسران را دور خود گرد آورد و کوشش نمودن توسط نیروی نظامی قدرت را از دست " کارلوس آندریاس پرتز " رئیس جمهور آنزمان بیرون آورد. او در این جدال نظامی از نیروهای طرفدار " پرتز " شکست می خورد و دستگیر می شود. او در هنگام دستگیری در پای دوربین تلویزیون فریاد برآورد : " من راه گشا برای مردم ونزولا و پایان دادن به وضع اسف بارو کنونی می باشم و دستگیری من خود هزینه ای برای پرداخت آن راه است و سرمایه ای پرداخت شده برای خلقم می باشد که مجددا برای کسب قدرت از هر شیوه ای و مخصوصا قهرآمیز استفاده نماید و من بار دیگر باز خواهم گشت "

هوگو چاوز یک انقلابی و از روشنفکران مترقی است و در دوران دانشجویی دست به مطالعه آثار مارکسیسم - لنینیسم زد و کمک بزرگی برای شناخت طبقاتی او شد. اما او به جستجوی راه دیگری است برای ساختمان سوسیالیسم و راه کار خود را " سوسیالیسم قرن ۲۱ " نام نهاده است!

هوگو چاوز، مانند فیدل کاسترو رهبر انقلاب کوبا علی رغم مترقی بودن سیاست و عملکرد مبارزاتی آنها در مقابل امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و همبستگی با انقلابات ملی و رهایی بخش در کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه ، دارای انحرافات ، مشکلات در تغییر زیر بنای اقتصادی کشور کوبا بوده و چاوز هم مرتکب آن خواهد شد. او فرصت کمی دارد و باید به صورت کامل قدرت سیاسی را در دست گرفته و این پیش شرط برای ساختمان سوسیالیسم است و باید با تغییرات عظیم در زندگی توده کارگران و دهقانان ، روشنفکران و طبقه فقیر متوسط ، حمایت آنان را جلب نماید. تنها بهبود وضع زندگی آنان و شرکت مستقیم مردم در ساختمان سوسیالیسم است که او می تواند به کار برای برپایی جامعه نوین ادامه دهد. بدین خاطر درس مهم آن است که رهبر انقلاب بورژوا - دموکراتیک ونزولا باید از شرایط کنونی کوبا بیاموزد ! در اینجا بحث بسیار با رفیق فیدل کاسترو و هوگو چاوز داریم و مشکلات ساختمان سوسیالیسم در کوبا مربوط به محاصره اقتصادی امپریالیست آمریکا است که از سال ۱۹۶۱ تاکنون ادامه دارد. ولی اشتباهات کوچکی در ساختمان سوسیالیسم انجام گرفت و آن عدم توانایی خود کفایتی کردن کشور است و کوبا تا سال ۱۹۹۰ کشوری تک تولیدی و تنها نیشکر به شوروی سو سیال در حرف و در عمل امپریالیست صادر و کمک مالی و صنعتی و کشاورزی دریافت می نمود و شوروی وام های داده شده را همچنین با پرداخت بهره متداول و کمی کمتر از کشورهای امپریالیستی از کوبا دریافت می کرد.

کار بزرگ فیدل کاسترو آن بود که بدنبال یاوه های گریپچف مزدور امپریالیسم جهانی نرفت و در راه روی سرمایه امپریالیستی و مخصوصا آمریکایی نه گشود و با تمام فشار محاصره اقتصادی ، نداشتن بنیه مالی و یک پتانسیل بزرگ صنایع کلیدی که علت آنرا در سیاست نو استعماری روسیه و عدم کمک برای خود کفایتی آن کشور بود و نام آوردیم . کوبا توانست با تلاش بسیار مشکلات روزمره جنگیده و روی پای خود به ایستاد و هنوز دست به گریبان مشکلات سختی می باشد. رانول کاسترو در سخنرانی مراسم یاد بود ۵۰ سالگی انقلاب کوبا ، از آمریکا خواست که کوبا را از محاصره اقتصادی بیرون آورد و کوبا بتواند با آمریکا روابط تجاری و اقتصادی داشته باشد و امپریالیسم آمریکا در مقابل خواست دولت کوبا ، سرنگونی رژیم کوبا ، آوردن فاشیست ترین جناح های اپوزسیون از میامی به هاوانا و قراردادن آنان در قدرت است را آرزو دارد و با یک انتخابات پر جنجال ، فروش تمام مالکیت سوسیالیستی را که شامل کارخانه ها و موسسات دولتی است با قیمت نازل به سرمایه های آمریکایی واگذار می کنند و در جمهوری آلمان دموکراتیک در سال ۱۹۹۰ ، دولت آلمان چوب حراج را توسط بنگاه واگذاری Treuhand بر ثروت اجتماعی خلق آلمان زده و با قیمت یک مارک وسایل کارخانه و چند هزار مارک ۱۰ ها هکتار زمین و ساختمان به فروش رساند. باید زیر گفته هایمان خط کشید و در حافظه نگهداشت . زمان کشتار، هرج و مرج ، ویرانی ، آتش زدن و نوشیدن خون کمونیست ها شروع می شود. کوبا باید راه خود را بدون فیدل ادامه دهد و می تواند و باید به پیش رود. این راه چندان مشکل نیست و در پایان مقاله باید به آن اشاره نمود.

در مارش مردم در جشن بزرگ یاد بود سالگرد انقلاب کوبا و نشست بزرگی که برای تولد فیدل کاسترو در تالار بزرگ شهر هاوانا به نام کارل مارکس تدارک و برگزار شد ، ما شاهد وداع مردم کوبا از رهبر گرانقدر خود بودند و گفته رئیس جمهور بولیوی " اوو مرالس " : فیدل یک انقلابی کبیر ، سمبل شهامت و وفاداری به انقلاب خلق کوبا و سوسیالیسم می باشد. او گفت : " او در میان ماست و راه او ادامه دارد " و بنا بر گفته خبرنگار آسوشیتد پرس : " در هنگامی که تظاهرکنندگان با پرچم های کوبا وارد میدان انقلاب می شدند ، همه چشم ها پر از اشک و در جستجوی رهبر انقلاب کوبا در تریبون بودند " (نویسنده این مقاله با خواندن خبر سخت متاثر گشت ...). رفقای سایت ایرانی ما هم خواهان ادامه راه سوسیالیسم در کوبا می باشند.

خلق پیروزمند آمریکای لاتین در کنار خلق کشور کوبا بوده و کمک ارسال شده روزانه که بالغ بر ۹۲۰۰۰ بشکه نفت است از ونزولا به کوبا فرستاده می شود و بهترین کمک برای برپایی صنایع مستقل در کوبا است. برای تولید فولاد و تبدیل دیگر فرآورده های خام به نیمه خام ، مانند آلومنیوم ، مس و همچنین فرآورده های دارویی نیاز به نفت خام می باشد و از طریق تصفیه نفت در کوبا می توان چرخ صنعت را بیشتر به حرکت در آورد. فیدل کاسترو محبوب مردم آمریکای لاتین است و سالگرد جشن تولد ۵۰ سالگی او را همزمان با روز جشن سالگرد انقلاب کوبا قرار دادند و در تالار کارل مارکس برگزار شد . نه تنها صد ها نفر از شخصیت های برجسته از آمریکای لاتین حضور داشته ، بلکه از دیگر قاره برای شرکت در جشن تولد او آمده بودند.



عکس بالا در هنگام ورود کارگران و زحمتکشان گویایی به میدان انقلاب است

بدین خاطر شرایط تاریخی عبور سریع به سوسیالیسم در ونزولا بسیار مساعد می باشد. امپریالیسم آمریکا به سرکردگی امپریالیسم جهانی در طرح جهانی کردن ، لشکرکشی نظامی و شیوه دموکراسی پارلمانتاریستی شکست سختی خورده (احزاب نماینده سرمایه های انحصاری در کشورهای صنعتی اعضاء و هواداران خود را از دست داده و تعداد کارگران و شهروندانی که به پای صندوق میروند بسیار کمتر و در فرانسه ، در آلمان ، در انگلستان ، در آمریکا و غیره شاهد آن هستیم . رشد فزاینده ای بیداری در میان خلقهای پنج قاره به چشم می خورد. قاره آمریکای لاتین شاهد انتخاباتی است که احزاب کلاسیک بورژوازی ، احزاب سوسیال - مسیحی ، سوسیال - دموکرات ، لیبرال هواداران خود را از ده ۹۰ تاکنون از دست داده اند. در بولیوی " اوو مرالس " ، در نیکاراگونه بار دیگر سندینیستها به رهبری " دانیل اورتگا" و در اکوادور " رافائل کوره " برنده انتخابات و مرالس مدت زیادی است که رئیس جمهور بولیوی می باشد. تمام این شواهد نشان می دهد که قدرت اعمالی و نفوذی امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای اروپایی در آمریکای لاتین رو به افول و در ونزولا و بولیوی از بین رفته است و نمی توانند اعمال قدرت کنند و نظرات استعماری و غارتگرانه را به حکومت های مترقی دیکته نمایند.

در کشورهای عربی ، در سوریه ، لبنان ، فلسطین عکس رهبر ضد امپریالیستی خلق ونزولا در دست آنان است. (این اعترافی است که مفسر سیاسی بخش خبری تلویزیون اتریش می کند)

کمونیست های ونزولا و همچنین دیگر کشورهای آمریکای لاتین وظیفه دارند از انقلاب ملی که ماهیت مترقی و ایجاد امکانات وسیع برای رشد سیاسی نیروهای کمونیست بوجود آورده ، دفاع نموده و فعال در آن شرکت کنند و ضرورت آن دارد که سیاست انتقاد را با همکاری و همبستگی برای کسب قدرت سیاسی طبقه به کار گیرند و برخلاف تجدید نظرطلبان مارکسیست نوع توده ای ، دنبال حوادث نرفته ، بلکه با تلاش زیاد برای سیادت حزب طبقه کارگر تلاش کرد و راه نیمه کاره انقلاب بورژوا - دموکراتیک را ادامه داده و به پایان رساند و فوراً برنامه ساختمان سوسیالیسم را با درایت و شیوه مخصوص برای کشور اجرا کرد و حتی می توان بر حسب ضرورت با گامهای آهسته تر برای مدت کوتاهی به پیش رفت! تنها با تکیه بر توده کار و کار وسیع سیاسی ، عقیدتی ، فرهنگی ، هنری و غیره می توان توده های مردم را برای ساختمان سوسیالیسم تشویق کرد. کادرهای حزب نقش اساسی را در اجرای سیاست حزب در ساختمان سوسیالیسم به عهده دارند و باید تشویق کامل را برای آگاهی کمونیستی کادرهای حزب به کار

گرفته شود و به آنان آموزش داد و نقش حساس و فداکارانه در کارها و مخصوصا کارهای سخت برای آنان مشخص شود و از پس گذراندن آزمون های سخت در کنار توده های رنج و کار است که می توان اعتماد آنان را به دست آورد. زیرا عشق به زندگی توده ها ، در میان آنان بودن ، از میان آنان برخاستن ، تشویقی است برای پیوستن به حزب و شرکت بیشتر در ساختمان سوسیالیسم می باشد.

ما شاهد تغییرات مهمی در ونزوئلا می باشیم. باید چشم بسته از مدل کشور کوبا کپی برداری نکرد و با ثمره تلخ تجربیاتی که حاصل از خرابکاری رویزیونیست های خروشچفی - گریچفی برسر طبقه کارگر کوبا آمد مطلع شوند. ما هواداران سایت ایرانی معتقدیم ، که باید ابتدا در حزب کمونیست کوبا ، تغییرات انقلابی در خط سیاسی حزب بوجود آید و جمع بندی کاملی از اشتباهات گذشته کرد. فیدل کاسترو رهبر انقلاب بود و دارای یک کارسیمای انقلابی بوده و اثر آتوریته او باقی خواهد ماند. اکنون رفیق رائول کاسترو باید فرصت را استفاده کند و به نیروی انقلابی کارگران کوبا تکیه کرده و هیچ امیدی به امپریالیست ها ، برای بهبود وضع زندگی مردم کوبا نه داشت. بزرگ های امپریالیسم ، منتظر قربانی جدیدی می باشند و وقت کم می باشد!